در گروه‌های دو نفره شبیه گفت‌وگوی زیر را اجرا کنید.

حِـوارٌ گفتگو
(فِـي الصَّيدَليَّـةِ[1]) در داروخانه

اَلحاجُّ حاجی	اَلـصَّيدَلـيُّ[2] داروخانه‌دار
بیخشید، نسخه‌ای ندارم عَفواً، ما عِندي وَصفَـةٌ و می‌خواهم این داروهای نوشته شده را وَ أُريدُ هٰذِهِ الْأَدويَةَ[4] الْمَكتوبَةَ عَلَى بگیرم الْوَرَقَـةِ.	بده به من بگیرم. أَعطِني[3] الْوَرَقَةَ: دماسنج، قرص‌های مسکن برای سردرد، قرص‌های آرامش‌بخش، کبسول مِحرارٌ[5]، حُبوبٌ مُسَكِّنَةٌ لِلصُّداعِ، حُبوبٌ مُهَدِّئَةٌ، كَبسول آمپی‌سیلین، پنبه طبی، کرم برای حساسیت پوست أمبيسيلين، قُطنٌ[6] طِبّـيٌّ، مَرهَمٌ[7] لِـحَسّاسيَّةِ الْجِلدِ[8] ... اشکال ندارد، ولی نمی‌دهم به تو آمپی‌سیلین را. لا بَأسَ، لٰكِنْ لا أُعطيـكَ أمبيسيلين.
برای چه؟ آیا ندارید؟ لِماذا، أَ ما عِندَكُم؟	نه؛ داریم ولی فروش آن بدون نسخه ممنوع است. لا؛ عِندَنا، وَلٰكِنْ بَيعُـها بِدونِ وَصفَةٍ غَيرُ مَسموحٍ.
بسیار ممنون، ای جناب داروساز. شُكراً جَزيلاً، يا حَضرَةَ الصَّيدَلـيِّ.	برای کی می‌خری این داروها؟ لِـمَنْ تَشتَري هٰذِهِ الْأَدويَةَ؟
می‌خرم آن را برای همسفرهایم در کاروان أَشتَريـها لِـزُمَلائـي فِي الْقافِلَةِ.	شفاء از خداست. اَلشِّفاءُ مِنَ اللّٰهِ.





۱ــ **صَيدَليَّة:** داروخانه ۲ــ **صَيدَليّ:** داروخانه‌دار ۳ــ **أعطِني:** به من بده ٤ــ **أَدْوِيَة:** داروها «مفرد: دَواء»
٥ــ **مِحْرار:** دماسنج ٦ــ **قُطْن:** پنبه ۷ــ **مَرهَم:** پماد ۸ــ **جِلْد:** پوست